

از رسته اشخاص بزرگ

سید جمال الدین افغان

مترجم آقای میر غلام احمد خان کندکشر

عضو مجلس اصلاح و ترقی

عسکری در کابل

در زیر ریاست ابراهیم علاء الدین

یک از طرف یک هیئت منتخبه

علمیه تورک تحریر و از طرف

جریده «صوره» نشر و در

مطبعه ثبات استانبول طبع گردیده

است فی سال ۱۹۲۷ میچی

در اثنای که این انقلاب بزرگ تورک برای تمام اقوام مشرق در خصوص بیداری و اعتلا و مدنیت فیض رسانی میکند یک شخصیتی موجود است که باید ماجرای خاطرات و مساعی او بخاطر آورده شود و آن شخصیت هم عبارت از شخص سید جمال الدین افغان است این نافذ خلت که در وسط آسیا تولد یافته و اسم آن در هر طرف دنیا یاد میشود حرکات انبساط خویش را که در شرق نو نو بیدار میسازد نیم عصر پیشتر ازین برای عزم دیدن آن برخواسته و تا وقتی که در اسلامبول حیات فانی را وداع کرده است ازین مجاهده خویش باز نه ایستاده است .

- سید جمال الدین افغان در سال ۱۲۵۴ هجری تولد یافته است درباره محل تولد آن اختلاف وارد است نظریه یک روایت در قریه اسد آباد همدان تولد یافته است و نظریه دیگر در قریه اسعد

آبادکنز افغانستان تولد گردیده است این مسئله نه تنها بعد از وفات او بلکه در حال حیات او هم موجب قیام و قال گردیده است اما خود او چیزی را که دائماً گفته اینست که : —

« هیچ احتیاج باین ندارم که خود را بیک ملتی نسبت دهم، من افغان میباشم »

آنهايي که ميگویند مشارالیه در اسد آباد تولد گردیده است چنین نشان میدهند که بسبب معاملات ظالمانه حکومت مستبدۀ ایران خرد را بجات افغان نسبت داده است . بعد از قید این دو روایت که ما را آنقدرها علاقه دار نمیسازد صرف نظر کرده از وقایع خارق العاده حال حیات او که ما را علاقه دار میسازد بحث میکنیم :-

از آنجائی که ملیت ابن ذت ایرانیها و افغانها را علاقه دار کرده است چرايد ايران دائماً او را « جمال الدين اسدآبادي » لقب میدهند نام پدر سيد جمال الدين افغان سيد صفدر بوده نسبت آن به محدث مشهور سيد علي الترمذي و باین واسطه چون بحضرت امام حسن رضي الله تعالى عنه ابن حضرت علي كرم الله وجهه میرسد سید است . سيد صفدر در مملکت خویش مالك يك امارت مستغله محلی بوده بعدها امیر دولت محمد خان موقع را از او سلب کرده مشارالیه را بارادرها و پسرش سيد جمال الدين بكابل جلب کرده است درین وقت که سال ۱۲۶۱ هجری بود سيد جمال الدين بعمر هفت ساله بود .

سيد جمال الدين بعمر هشت ساله حیات خود را به صرف تحصیل علم حصر کرده و تا بعمر (۱۸) در افغانستان بتحصیل علوم و فنون دوام داشت در ظرف این مدت علوم : صرف و نحو ، منطق ، معانی ، بیان ، ریاضیه ، فقه ، اصول فقه ، کلام و تصوف را تحصیل کرده است . معلمین او درین دروس از جمله علمای متبحره افغانستان بشمار میرفتند که از جمله آن یکی « ماهر ابن علی » نام يك ذات با علم و فضلی بود پس از تحصیل دروس مذکوره سيد جمال الدين افغان بتحصیل کتب مشهوره اسلامیة صرف اوقات کرده تنبغات آن زیاده تر در فلسفات و آلهیات اسلامیة بوده است .

در سال ۱۲۷۲ هجری بعمر (۱۸) بعد از اتمام تحصیل در کابل از افغانستان بهندوستان رفته از يك طرف به تنبغات علمیة خویش دوام داشته و از طرف دیگر باصول اروپا علوم ریاضیه و حکمیة را تحصیل کرده است . بعد از مدت یکسال یعنی در سال ۱۲۷۳ به نیت ادای فریضه حج به اجرای يك سیاحت (که تخمیناً بقدر يك سال دوام کرد) پرداخت علاوه بر ادای حج در باره اخلاق و عادات اقوام اسلامیة که در راه سیاحت او تصادف کرده اند تنبغات خیلی عمیقانه

کرده است . پس از آن بافغانستان آمده در حکومت امیر دوست محمد خان یکی از ماموریت ها داخل شده و مصانف این وقت که امیر دوست محمد خان برای ضبط هرات به محاصره هرات مشغول بود سید جمال الدین افغان برفاقت پسر او سردار محمد اعظم خان هم در معیت امیر مشارالیه حاضر بود .

وقتی که امارت افغانستان به سردار محمد اعظم خان تعلق گرفت برای رفیق خود سید جمال الدین افغان موقع بزرگی داده و او را بمقام مشاوری خرد گرفت . در ظرف این مدت در افغانستان محاربات داخلیه دوام داشته و در تمام این احوال سید جمال الدین افغان در کابل حاضر بود بعد از آنکه در نتیجه محاربات امیر محمد اعظم خان بر طرف گردیده و بجای او برادر خوردش امیر شیر علیخان تکراراً بموقع امارت افغانستان قرار گرفت از نقطه نظر احترام عشیرت و ترس از مخالفت افکار عمومی نتوانست بسید جمال الدین افغان ضرری برساند . باوجود آن سید جمال الدین بودن خود را در کابل و افغانستان لازم ندیده و برای رفتن به حج از امیر شیر علی خان اجازه خواست . امیر مشارالیه بمطریکه ز راه ایران نگذشته و با امیر سابق محمد اعظم خان ملاقا نشود باو اجازه داده و سید جمال الدین با اینصورت از افغانستان هجرت و مفارقت نمود .

نظر به يك روایت سید جمال الدین افغان درین آشنا يك بار به حدود روسیه رفته و بروس ها وعده داد که در باره احوال داخلیه افغانیان ژورنال بوی بدهد و از طرف روس ها مظهر قبول شده بود .

سید جمال الدین افغان منتظماً ژورنال های بوی داده و از طرف روس ها در مقابل آن اجرت معین برای او داده میشد اما روزی فهمیده شد که تمام اخبار مذکور خلاف حقیقت بوده و بنابراین مشارالیه بالمجبوریه حوال روسیه را ترك کرده است .

در سال ۱۲۸۵ هجری سید جمال الدین افغان بهدوستان رفته حکومت هند علمای هند را از مذاکره و اجتمع با مشارالیه منع کرد . مشارالیه پس از يك ماء اقامت در هند ذریعه يك واپور از راه قانال سویس بمصر رفته تخمیناً چهل روز در آنجا اقامت داشت .

در ظرف این مدت با محفل علمی « الازهر » آشنا شده طلاب مدرسه مذکوره که از سوره بودند به نسبت سید جمال الدین افغان حرمت بسیاری نشان داده و از مشارالیه تدریس « شرح الاطهار » را آرزو کردند . سید جمال الدین افغان چندی با ایشان شرح الاطهار را درس داده بعد از آنکه

پسلا بیول رفت در سال ۱۲۸۷ و قتیکه باسلامبول آمد چون شهرت علمیه این ذات تمام آفاق اسلامیه را فرا گرفته بود از طرف خلق اسلامبول بایک روی ممنونیت استقبال کرده شد پس از چند روز باصدر اعظم « عالی پاشا » ملاقات کرده صدر اعظم و تمام رجال حکومت بسبب فضیلت سید ازو احترام و درمقابل او مجلوب گردیدند دیری نگذشته بود که نام سید در تمام محافل علم و ادب شهرت یافت البسه ملیه او عبارت از یک چین فراخ و یک دستار بزرگ بوده و در تمام مجالس کبیره این قیافت ملیه خود را هیچ تغییر نمیداد .

بعد از آن به جمله اعضای مجلس معارف تعیین گردیده و درعین زمان درجرائم کبیره سلطان احمد و آبا صوفیه موعظه های دینی واجتماعی میداد .

در ماه رمضان المبارک سال ۱۲۸۷ هجری مدیر عمومی دار الفنون خواجه تحسین افندی از سید جمال الدین افغان خواهش کرده که دردار الفنون یک کونفرانسی بدهد مشارالیه اگر چه ضعیف زبان تورکی را عذر قرار داد اما بسبب ضرورت خواجه تحسین افندی بالجبوریه اعطای یک کونفرانس را قبول کرده مباحث آن را نوشته بناچار معارف صفوت پاشا تقدیم نمود .

موضوع کونفرانس از طرف نظارت معارف و از طرف مجالس معارف با ممنونیت تصویب کرده شد .

در روز اعطای کونفرانس سالون دار الفنون از رجال حکومت ، اهل علم ، ارکان مطبوعات ، نظار و سائر اهالی و مستعین تماماً بر شده بود . هرکس این عالم مشهور اسلام و افغان را دیدن و سخن های او را شنیدن میخواست . تنها شیخ الاسلام آنوقت حسن فهمی افندی خیلی مخالف سید جمال الدین افغان بود این شخص بیچاره از شهرت این ذات بابرکات بفکر اینکه مبادا « شیخ الاسلامی را از دستش بگیرد » ترسیده و بنا برین رقیب او شده بود . بناً علیه و قتیکه سید جمال الدین افغان به منبر خلاصه برآمده ایراد نطق مینمود شیخ الاسلام حسن فهمی افندی بامید یافتن یک خطا تماماً وضعت یک مترقب را گرفته بود . سید جمال الدین افغان درین کونفرانس خود : - معیشت انسانیه را یک « بدن سخی » تشبیه و تمام « صناعت » را بتوقع یک یک عضو نشان میداد - از جسم و روح بحث کرده و قتیکه مسئله بتذوق بین « نبوت » و « حکمت » انتقال کرد گفت : - « حضرت نبوت مرهبه الهیه است با کتب بدست آورده نمیشود . یختص الله بهامن یناء من عباده والله اعلم حیث یجعل رساله ذات باری تعالی بدرجه نبوت کسی را که بخواهد از

از بندگانش امتیاز و اختصاص میدهد ، همچنین ذات خداوندی دانایتر است به اینکه شخصی را برسات خود انتخاب نماید . فقط حکمت ، فکر و نظر با معلومات میتوان بدست آورده شود .
بین نبی و حکیم اینچنین يك فرق نشان داد :-

نبی از خطا معصوم است فقط حکیم خطا میتوان کرد . احکام نبوت چون بالای علم الهی مؤسس است درین راه بسیج یکصورت باطل صدور نمیکند و عمل کردن باین از فرایض ایمان است فقط بیایم بمسئله حکما :-

اتباع باینها اصلا جایز نیست . تنها آنها را که افضل و اولی باشد تفریق کرده بآن افکار تبعیت میتوان کرده شد که : این برای قسمی که شایان اتباع باشد هم شریطة یگانه لزوم مخالف نبودن آراء مذکوره است بشرح الهی . . . این سخن های سید جمال الدین افغان بسخن ها و نوشته های تمام علمای اسلامی موافق بود . فقط تنها شیخ الاسلام بسبب وقایعی که بنسبت حضرت سید داشت بر علیه او برآمده گفت :-

سید جمال الدین افغان «نبوت را بر تبه صناعت فرو آورده و برای اثبات سخن در موضوع کواقرانس صنعت و صناعت از نبوت بحث کرد پس آترام باعداد صنایع داخل نمود . . . حتی درینخصوص بر علیه سید جمال الدین افغان ، از طرف وکیل درس هم يك رساله بزرگتر تحریر گرفته شده بود .
و هم این موضوع را رنگ رنگ روایت میکنند :-

در اثنای که سید جمال الدین افغان دائر بصنعت و صناعت کواقرانس مذکور را ایراد میکرد این راهم گفت که :- « وقت این نیست که تمهل و مسکین بنشینیم باید بکوشیم زیرا هر کس تنها بسایه کوشیدن میتواند بهر مقصدی که داشته باشد برسد حتی حضرات انبیای عظام علیهم الصلوة والسلام هم وقتی که نکوشیده اند و زحمت نکشیده اند عقب مانده اند . » این سخن سید جمال الدین افغان از طرف شیخ الاسلام و طرفداران او باینصورت تحریف کرده شد که :- انسان یا کوشیدن پیغمبر هم میشود . « و باین ترتیب بر علیه و به مخالفت سید جمال الدین افغان برآمدند . محمد علی توفیق بك در صفحه - ۳۶۲ شماره - ؛ کتاب رسددار در زیر سرلوحه مقاله « بدیعه شعر و حقیقت » میگوید که :-

سید جمال الدین افغان در دار الفنون معلم بود . تحسین افندی در اثنای که باین رفیق خود برابر برای ترمیم افکار خلق خدمت میکردند بصورت غیر منتظر دوچار فلاکت شد .
در وقت سدارت عالی پاشا يك روز سید جمال الدین افغان در دارالفنون يك درس عمومی

میداد . خواجه تحسین افندی هم در کرسی تدریس با او حاضر بود مشارالیه این را بطلبه می فهمانید که : هوای نسبی و تنفس باعث اصلی حیات میباشد تقاریر و بیانات خود را با تجربه ثابت کردن خواسته بزیر يك فانوس محلیته الهوا يك کبوتر نهاد . فانوس چون با هوا پر بود کبوتر بالطبع طیبیدن و پریدن میخواست .

در عقب این وقتیکه هوای فانوس تخلیه کرده شد کبوتر موقوف و ساکت ایستاده و اثر حیات نشان نمیداد . پس ازین تجربه معروفه که هر روز در هر در سخانه تکرار کرده می شد ایضاحات و ملاحظات متممه که سید جمال الدین افغان میداد از طرف خلق سوؤ تفسیر یافته و بنا برین دارالفنون بند گردید . هجومی که بر علیه سید جمال الدین افغان جریان یافت تنها باین قدر کفایت نکرد وقتیکه سید در یکی از جوامع شریفه سلطان احمد و یا آبا صوفیه از کتاب « احیاء علوم الدین » فیلسوف اسلام « امام ابو احمد غزالی » که نسبت او خیلی احترام داشت راجع بعلما می سوؤ يك موعظه ایراد کرد در آن وقت از جهلای اسلامبول که در کسوه علما خود شان را نشان میدادند هجوم های مدهشی دید .

و الحاصل سید جمال الدین افغان که درین کوتقراض و موعظه خود بقدر ذره هم از حدود شریعه تجاوز نکرده بود تکفیر کرده شد . چون ازین مسئله علامه مشارالیه باخبر گردید گفت : « آنها مرا تکفیری کنند و من هم آن ها را . » این سینا در وقت تکفیر خود این چیز ها را گفته بود : -

كفر من كذاب آسان نبود

دردهر چومن یکی و آن هم کافر

من هم باینصورت يك جواب قطعی دادم .

برای شیخ الاسلام حسن فہمی افندی که يك بهانه خوبی پیدا شده بود برای تمام و اعظیانی که در جوامع ایراد موعظه مینمودند بصورت تعمیم این را فهماند که سید جمال الدین افغان برای نشر « افکار فاسده » کار میکند در مقابل آن سید جمال الدین افغان برای مدافعه بر خواست و چون برای حل و فصل مسئله میبایست باشیخ الاسلام معا که میشد لهذا طلب معا که نمود و بنا برین موجب حدت شیخ الاسلام گردید . جرائد آنوقت ازین اختلاف دور و دراز بحث کردند بعضی از جرائد طرف شیخ الاسلام را و بعضی از آن طرف سید جمال الدین افغان را الزام کردند . -

مسئله بسیار وخامت پیدا کرد بدرجهٔ که حل آن متوقف بر مقام صدارت عظمی بود تا اینکه صدر اعظم عالی پاشا مفارقت سید جمال الدین افغان را برای چند ماه از اسلامبول لازم دانسته مجبوراً موضوع را به مشارالیه تکلیف کرد . از آنجائی که سید جمال الدین افغان درین مسئله ذبحی بود اولاً در برابرین مغلوبیت ناحق بسیار حدت و شدت نموده فقط بسبب امثال امر مقام صدارت عظمی در اوائل ماه محرم ۱۲۸۸ هجری از اسلامبول بطرف مصر حرکت نمود .

سید جمال الدین افغان درین سیاحت خود میخواست که تنها تفریح نماید و برای چندی بمصر اقامت کند و قتیکه در مصر با « ریاض پاشا » ملاقات نمود مشارالیه بنسبت سید جمال الدین افغان بسیار محترمانه پیش آمده بنام حکومت مصر ماهانه هزار غروش معاش برای این عالم بزرگ افغان مقرر نمود و این معاش در مقابل هیچ یک قسم کار نبود . بعد از چندی بیک تعداد بسیاری از طلبه بخدمت او حاضر شده خواهش تدریس بعضی از دروس را از او نمودند علامه مشارالیه هم برای این طلبه از علوم عالی : کلام ، حکمت (نظریه ، طبیعی ، عقلیه) علم هیئت ، تصوف و اصول دروس میداد و این دروس را در اقامتگاه خود برای طلبه تدریس مینمود . و علاوه بر دروس مذکور برای طلبه خود از آموختن احساسات ملیه ، افکار حر ، محاکمه و تنقیدات هم صرف نظر نمیکرد .

یکی از محررین مصر که « ادیب اسحق » نام داشت در کتابی که در آنوقت بنام « الدرره » نشر کرده است در باره سید جمال الدین افغان این سطور را مینویسد :-
 « درین اوقات در جرائد مصر مقالات بسیار نشر کرده برای ایقاظ افکار عمومی کوشیده است . (مظهرین وضاح) نام مستعار جمال الدین است » باز نظر بافاده عین کتاب سید جمال الدین افغان درین اثنا به « لوجه ماصون های مصر » داخل گردیده و رتبه استادی را احراز و برتبه « استاد اعظم » انتخاب شده است و برای واصل شدن بمقصد خود ازین وضعیت استفاده کرده است .

سید جمال الدین افغان به « الازهر » بعضی اوقات میرفت . مصاحبات و دروس خود را اکثریاً در اقامتگاه خود اجرا مینمود . سید جمال الدین افغان بلی صورت از یکطرف بطلبه خود دروس فلسفیات و الهیات را تدریس مینمود و از طرف دیگر باسول کتابت ، ادبیات و حکمیات خیلی اهمیت داده و درینخصوص

بسیار تشویقات مینمود . آنوقت در مصر اصول نوشتن تعلیق بایک اسلوب درست تقریباً وجود نداشت . ارباب قلم بسیار محدود بود و این ها هم عبارت از عبدالله پاشا ، محمد پاشا ، سید احمد پاشا ، عصمتی پاشا ، خیری پاشا ، فکری پاشا و وهبی بودند . بعضی ازین ها مسجع و مستقیم مکتوب می نوشتند و بعضی از آن ها کتب دینی و اخلاقی و قسماً کتب ادبی تألیف میکردند . در اثنای این فقدان ادباً بغیرت و همت سید جمال الدین افغان در مصر ادباً و محررین دیده شد . مرحوم شیخ محمد عبده میگوید که : « از ده سال پیش طرف درین تمام محررین و ارباب قلم مصر از اشخاص قدیمه آن شخصی را نمی بینیم . اصحاب قلم مصر که جوان و فقط در صنعت پیر و استاد اند همه آن ها از تلامیذ سید جمال الدین افغان شمار میشوند و با از تلامیذ او فیض گرفته اند » کوفترانس هائی را که سید جمال الدین افغان راجع به نشر و نظم و مسجع و اصول تحریر داده است شاعر سوریه « ادیب اسحق » در کتاب (الدرر) خود با اهتمام مخصوص ضبط کرده است . در باره تأثیر فیض بخشای که سید جمال الدین افغان در عالم تحریر بوجود آورده است ذواتی که استطلاع آن را لازم داشته باشند کوفترانس های مذکور را ملاحظه فرمایند .

« ادیب اسحق » در ملاحظاتی که باول این دروس علاوه کرده است میگوید که : -

« چیزی را که من میدانم همه آن را از سید جمال الدین افغان آموخته ام . » - باید این را قید کنیم که « ادیب اسحق » یک ادیب و محرر قبت دار مصر است .

سید جمال الدین افغان درین آوان زبان فرانسه را در ظرف یک مدت خیلی اندک آموخت .

این عالم افغان که یک شخص را بدیم آلبت و انقلابی بود در اثنای فعالیت علمی و ادبی خود به متفکرین اطراف خود بهیچ بکصورت از زرق اشکار استقلال و اختلال فرو گذاشت نمیگردد .

بارفیک مجاهده خود مفتی مشهور مصر « شیخ محمد عبده » هم درین اوقات آشنا شده بود .

این مفتی مشهور مصر در یک مقاله خود میگوید که : - پیش از دیدن سید جمال الدین افغان گویا چشم کور ، گوشم کر و زبانه گنگ بود ! « سید جمال الدین افغان وقتی که بسن جوانی در هندوستان بود چنانچه بحرکت مشهور اختلالیه بومبارد مان بنگاله داخل بود همچنان این بار با کسانی که در مصر حادثه « اعرابی پاشا » را حاضر کرده بودند برابر کار میکرد .

در اوقاتی که در افغانستان بین افغانها و انگلیز ها جنگ جریان داشت

روزی يك لارد انگيز در مصر در حالیکه سيد جمال الدين افغان هم حاضر بود افغانها را تحقير کرد و بناءً عليه حضرت سيد يك چوکی را برداشته و يك ضربه قوی بفرق آن لارد فرو آورد بعد از آن از مصر مفارقت نمود در اثنای مفارقت از مصر جنرال قونسل ايران « سيد نقادی » که برای مراسم وداع حاضر شده بود بعلامه مشارايه بصورت معاونت يك مقدار پول تقديم و قبول آتري از طرف علامه خواست نمود اما سيد جمال الدين افغان اينطور يك جواب داده بود :-

اين پول را برای خود تان نگهداريد زیرا يك شير در هيچ يك جای گرسنه نماند . . . حالانکه درينوقت مشارايه بسيار مفلس بود و کتب خود را هم بنزدیکی از دوستانش گذاشته بهندوستان رفت و پس از اقامت يك چند روز به نيت رفتن امريکا از هندوستان جدا شده اما بعد ها از رفتن امريکا هم صرف نظر کرده به « لندن » رفت . سيد جمال الدين افغان در لندن حس قبول يافته و بالارد « سالیسبوري » هم ملاقات های دور و درازی کرده بود . درين اوقات که در افريقای جنوبی يك حرکت قيام دوام داشت انگليز ها ميخواستند که برای اطفای آن از نفوذ سيد جمال الدين افغان بالای اين مسلمان ها استفاده کنند و هر چند که در مخصوص بعضی مذاکره ها هم بعمل آمد فقط تالیف نقاط انظار ممکن نگردید . سيد جمال الدين افغان در مدت اقامت خرد در لندن بکتاب « ضیاء الخائفين » يك مجموعه نشر میکرد .

بعد از آن از لندن به پاریس رفته و در آنجا اتفاق رفيقی مجامده خود « شيخ محمد عبده » مجموعه « عروة الوثقی » را طبع و نشر میکردند . عروة الوثقی يك اثری بود که دعواي شرق ها و مسلمانان هارا باکمال طلاقت و بلاغت مدافعه میکرد . سيد جمال الدين افغان در حالیکه از يكطرف به نشر اين مجموعه مصروفيت داشت از طرف ديگر با « ارنست رونان » که یکی از علمای مشهوره فرانسه بود در خصوص جريده « ده با » يك مناقشه فلمي کرده بود .

بعد ها سيد جمال الدين افغان در سال ۱۳۰۳ هجری مصادف سال ۱۸۸۶ ميلادی ذريعه تلگرام از طرف « ناصر الدين شاه » ايران دعوت کرده شد اين علامه افغان دعوت شاه ايران را پذيرفته حرکت نمود چون به « طهران » واصل شد بصورت بسيار مطمئن استقبال کرده شد فقط چون روز بروز سيد جمال الدين افغان در ايران مشهور گرديده و شهرت او زياده شده ميرفت

این مسئله بطبیعت شاه ایران بدخورد بناءً علیه سید جمال‌الدین افغان متحسّس گردیده از ایران بطرف روسیه حرکت نمود . در روسیه زار روس با سید جمال‌الدین افغان ملاقات کرده و بمشارایه قبول هدیه شیخ الاسلامی مسلمین موجوده روسیه را تکلیف کرد اما سید جمال‌الدین افغان باینصورت جواب زار را داده بود : - « من ذاتاً بطریق مسلمانها میباشم . »

بعدها در سال ۱۸۸۶ میلادی برای زیارت « شهر گاه عمومی » که در پاریس افتتاح مییافت از روسیه بطرف فرانسه حرکت کرده و چندی در شهر « مونیخ » اقامت کرد . تصادفاً باز در اور و پا باشاه ایران ملاقات کرده ناصرالدین شاه مشارایه را بآمدن ایران دعوت نموده او هم شاه ایران را از رفتن خود بایران وعده داد . فقط صرف نظر از اینکا رفتن مشارایه در ایران نتیجه درستی بدهد بالعکس بصورت بامرغوبی گذشت : -

مثل شاه ایران تمام وکلای و وزرای آن از اعتبار و اعتماد و حسن قبول اهالی ایران و طهران بد بردند . شاه ایران که سید جمال‌الدین افغان را برای وضع بعضی اصلاحات و اساسات بایران آورده بود دائر باصلاحات عدلیه يك لائحه که ترتیب داده بود صدر اعظم امیر السلطنه علی اصغر خان برای برطرف ساختن موقع مشارایه يك فرصتی خوبی یافته و موفق گردید .

سید جمال‌الدین افغان چون در يك وضعیت خیلی مشکل گرفتار گردید حتی بدرجه که حیات خود را در نهلکه میدید بنابر آن بتریه « شاه عبدالعظیم » که مخصوصاً برای جانی وقاتل دار الامان گفته میشد مخصن کرد درینجا با طرفداران خود تخمیناً هفت ماه اقامت کرده بعد ازان نظر بیک روایت خود او از آنجا برآمده بحکومت ایران تسلیم گردیده نظر بدیگر روایت حکومت ایران از حق مصئونیت این تربت که شکل يك عنعنۀ مقدس را داشت هم صرف نظر کرده سید جمال‌الدین افغان را جبراً از تربۀ شاه عبدالعظیم خارج کرده است .

علی اصغر خان برای خارج ساختن سید جمال‌الدین افغان از آن تربۀ که « دارالامان » نامیده می شد و تعرض بآن بهیچ بکصورت ممکن نبود يك تدبیر اندیشیده بود که این چنین روایت میکنند : - علی اصغر خان روزی بتریه شاه عبدالعظیم نزد مجتهدین با يك تهور در آمده و با يك حدت جعلی میگوید : -

دیگر چطور میشود که درین زیارت گاه مقدس و علوی يك ارمنی را نگه میدارید و علویت اینجا را اخلاص میکنید . این شخص که خود را درینجا نگه داشته و اسم خود را سید جمال‌الدین

افغان نهاده است غیر از يك ارمنی چیزی دیگری نیست . در اول مجتهدین باور نمیکنند فقط متلاشی میشوند اما علی اصغر خان اصرار میکنند که باید مشارالیه معاينه شود بالطبع چون اجرای معاينه در داخل این تریه مقدس ممکن نمیشود او را برای معاينه بخارج تریه میبرند ، چون بعد از معاينه فهمیده می شود که ارمنی نیست باز هم ممکن نمیشود که بار دیگر تریه داخل شود متعاقباً عساکری که در اطراف مستور میباشند رسیده او را محاصره میکنند . سید جمال الدین افغان که احوال صحبه آن بیچاره هم خوب نمیباشد در حالیکه اختلاط هم با کسی نمیتواند بحال يك شخصی مفسد و مجرم همراه زنجیر و زولانه تحت حفظ پنجمه سوار تا بمحدود تورکیه کشانیده می شود . سید جمال الدین افغان همراه زنجیر و زولانه تا به « خاقین » آورده میشود و از آنجا بخاک تورکیه گذاشته می شود و از آنجا به بغداد می آید .

پس از قدری استراحت در بغداد به « بصره » می آید و بعد از اندکی اقامت والی بصره « عزت پاشا » با مشارالیه ملاقات و ازو احترام میکنند و متعاقباً والی بصره مکتوبی بحکومت تورکیه فرستاده و در آن احتیاج حکومت تورکیه را بمشارالیه نشان میدهد . اما تا وقت رسیدن دعوت نامه حکومت تورکیه سید جمال الدین افغان از بصره بطرف لندن حرکت میکند . در لندن از طرف مدیر جریده « تایمس » و بعضی محررین دیگر استقبال کرده میشود و رئیس الوزرای حکومت انگلستان هم چندین بار برای ملاقات او به هوتلی که در آن اقامت داشت می آید .

از آنجا که سید جمال الدین افغان از معامله که در ایران دیده بود بسیار آزرده گردیده بود در لندن ذریعه مقاله ها و کوفترانس ها بصورت خیلی مدافعتی در مقابل حکومت مستبده آنوقت ایران هجوم میکرد . از طرف دیگر طرفداران سید جمال الدین افغان که در داخل و خارج ایران بودند پس از معامله - و که در باره حضرت سید کرده باحرارت تمام بفعالیت شان دوام کردند البته هیچ شبه نیست که حکومت ایران هم ازین معامله بی منطقی خود بسیار پشیمان شده بود . سید جمال الدین افغان علاوه بر مقاله ها و کوفترانس هایش به تشویق طرفداران اصلاحات و انقلاب خود دوام میکرد و تاثیرات آن هم بصورت خیلی واضح و صریح دیده شد . در سال ۱۸۹۰ میلادی که حکومت ایران رژیم تنباکوی خود را بیک شرکت انگلیز داد این مسئله برای سید جمال الدین افغان يك زمینه مساعد هجوم را جاضر کرده .

سید جمال‌الدین افغان بلا استفاده ازین فرصت درسامرا برای مجتهد اعظم میرزا حسن شیرازی يك مکتوب مشهوری که تماماً بر علیه حکومت ایرانیه بوده و ماهیت يك اتهامنامه را دربر داشته و اسراف و تبذیر اموال عمومی را بمقصد استفاده از طرف اعدای اسلام اخبار میگرد فرستاده و در آن نوشته بود : امتیازات مهمه که تا بحال از طرف حکومت ایران برای اوروپائیها (اجانب) داده شده است تفوق اقتصادی اوروپائی هارا در مملکت تأمین کرده بود این بار که انحصار تنباکو داده شده است امین باشید که تمام ایران را بدست اوروپائیها تسلیم کرده است .

این مکتوب سید جمال‌الدین افغان که برای آخوند ها فرستاده شده بود فوق العاده اجرای تأثیر کرده و در ایران راجع بحرام بودن تنباکو يك فتوا اسدار یافته و بنا برین حکومت ایران بکومپانیائی اجنبي يك تضمینات مهمه داده و بالجبوری امتیازات را پس گرفته بود .

مکتوبی را که والی بصره باستانبول فرستاده بود پس از يك مدت نظر دقت را جلب کرده و سید جمال‌الدین افغان از طرف سلطان عبدالحمید خان باستانبول دعوت گردیده و در محله نشانیاش برای اقامت شان يك (کوشک) تعیین و معاش هم تخصیص گردیده بود . سید جمال‌الدین افغان در اوائل بسیار طرف احترام واقع گردیده بود فقط بسبب تشویق ضمنی سید چون ناصر الدین شاه بواسطه « میرزا رضا خان » نام قتل گردیده سلطان عبد الحمید خان به نسبت سید جمال‌الدین افغان مشتبه شد و بنا برین از طرف جواسیس خفیه تعقیب کرده میشد .

سید جمال‌الدین افغان پس از حادثه قتل شاه ایران کخمیناً یکسال حیات او يك شکل معکوس را گرفت .

در اوایل سال در زنج او يك مرض ظهور و متعاقباً نوع کرده در نتیجه معاینه از طرف دوکتور ها فهمیده شد که « مرض سرطان » است .

سید جمال‌الدین افغان بنا برین برای تداوی خود رفتن به « وبانه » از سلطان عبدالحمید خان اجازه خواست اما سلطان مذکور اجازه نداده تمام دوکتور های مشهور مرکز را امر داد که برای تداوی او بکوشند . هیئت طبیه اولاً شش عدد داندان او را کشیدند و نسبتاً احوال صحبه او خوب شد و متعاقباً او را يك او براسیون هم کردند .

نهایت سید جمال‌الدین افغان که برای خلاصی و تعالی اسلام يك عمر دهانش را با تمام فداکاری و غیرت صرف کرد در حالیکه برای پای تخت تورك که از سبب ظلم و اعتسافی که

با معنای تام آن در آن حکمرانی میکرد مینالید حیات راوداع نمود . ماه مارس ۱۸۹۷ میلادی

جنازه این ذات با علم و فضل افغان در مزارستان شیوخ اسلامیة محله ما چقادفن گردید .
اینک مدفن این ذات يك ساکن محترم و مؤید اسلامبول است .

چون سید جمال‌الدین افغان بصورت مجرد اصرار حیات مینمود لهذا از او اولاد و احفادی
نیانده است .

قبر ایشان درین اواخر از طرف مستر « چارلس کرین » امریکائی بصورت درستی تعمیر کرده شد .
سید جمال‌الدین افغان يك شخص ملیت پرور بود . يك مباحثی را که راجع به « عرق و خسیت »
نوشته است در شماره اول و دوم جلد سوم « تورک یوردی » ترجمه گردیده است .
باز شخصی که در شماره هشتم جلد ششم سال سوم « تورک یوردی » ترجمه حال حضرت
سید جمال‌الدین افغان را نوشته است در مقاله مذکور خود سید جمال‌الدین افغان را يك شخص
ملیت خواه نشان میدهد .

آثار سید جمال‌الدین افغان بسیار نیست زبده تر مقاله ها و تقریضات نوشته است . آثار
نخستین او کتابیست که « الرد علی الدهرین » نامداشته و با مدافعه نامه فلسفی در هندوستان بزبان
فارسی انتشار یافته ، دیگر مقالات جمالیة ، مقالات عمروة الوقتی ، رساله « البیان فی الانکلیز والافغان »
مجموعه ضیاء المخالفین است . (La galerie de Palais) و (La jeune)
و علاوه بر آن ماده « بانی » محیط العلوم « بطرس بستانی » را نوشته و بنام « تنقه البیان »
تاریخ افغان و به شکل کتاب سوانح عمری خود را نشر کرده است .

حضرت سید جمال‌الدین افغان یکی از جمله اشخاص بزرگ دنیا بشمار میروند .

